

صلاحیت، ساختار و نحوه رسیدگی کمیته سازش، قانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار

ناصر الماسی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۳۹۶/۰۹/۱۳

چکیده

بازار سرمایه به عنوان یکی از انواع بازارهای مالی تقریباً از سال ۱۳۴۶ با تصویب قانون تأسیس بورس اوراق بهادار ۱۳۴۵ فعالیت عملی خود را در کشور آغاز کرد. پس از تصویب قانون بازار اوراق بهادار مصوب اول آذر ماه ۱۳۸۴ تغییراتی را پیرو تحولات بنیادی در بازارهای سرمایه دنیا در بازار سرمایه کشور ایجاد کرد و به شکل اساسی ساختار و تشکیلات آن بازار را دگرگون کرد. امروزه تالارهای بورس کالا و اوراق بهادار نقش مهمی در اقتصاد کشورهای مختلف و حتی اقتصاد جهان ایفا می کنند، هر روزه میلیون ها سهم در این تالارها معامله می شود و افزایش یا کاهش قیمت سهام می تواند حتی شرکت های بزرگ را نیز دچار بحران سازد. در جریان این معاملات آنچه بسیار اتفاق می افتد اختلاف است. چرا که هر جا بحث معامله و پول مطرح باشد بروز اختلاف اجتناب ناپذیر است با توجه به تخصصی بودن فعالیت در بورس، ضرورت رسیدگی تخصصی به این اختلافات نیز احساس می شود. قانون ها یا کمیته سازش و هیأت های داوری در بورس نیز به همین دلیل ایجاد شدند و با عنایت به این که بورس محل داد و ستد و معامله اوراق بهادار است و در این معاملات ممکن است اختلافاتی بین طرفین رخ دهد، وجود نهادی برای حل و فصل اختلافات ناشی از معاملات بورس از همان ابتدا احساس می شد. بر همین مبنا قانون بازار اوراق بهادار سه نهاد را برای رسیدگی به اختلافات فعالان بازار در نظر گرفته است که از این سه عملاً، کمیته سازش و هیأت داوری مهمترین رکن این بازار در حل اختلاف هستند.

واژگان کلیدی

بازار اوراق بهادار، اختلافات، کمیته سازش، هیأت داوری، بازار سرمایه.

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان و سر دفتر اسناد رسمی زنجان، زنجان، ایران.

مقدمه

بازار سرمایه در ایران قدمتی بیش از چهار دهه دارد. اولین بار با تصویب قانون تاسیس بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۴۵ و تاسیس سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار به عنوان نهاد مجری و ناظر، فعالیت بورس از پانزدهم بهمن ۱۳۴۶ با انجام چند معامله بر روی سهام بانک توسعه صنعتی و معدنی آغاز شد. در پی آن سهام شرکت نفت پارس، اوراق قرضه دولتی، اسناد خزانه، اوراق قرضه سازمان گسترش مالکیت صنعتی و اوراق قرضه عباس آباد به بورس تهران راه یافتند. اعطای معافیت های مالیاتی به شرکت های پذیرفته شده در بورس در ایجاد انگیزه برای عرضه سهام آنان در بورس نقش مهمی داشت. طی یازده سال فعالیت بورس تا پیش از انقلاب اسلامی ایران تعداد شرکت ها، بانک ها و شرکت های بیمه پذیرفته شده از شش بنگاه اقتصادی با ۶،۲ دهم میلیارد ریال سرمایه در سال ۱۳۴۶ به ۱۰۵ بنگاه با بیش از ۲۳۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. همچنین ارزش مبادلات در بورس از ۱۵ میلیون ریال در سال ۱۳۴۶ به بیش از ۱۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. در سال های پس از انقلاب اسلامی و تا پیش از نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دگرگونی های چشمگیری در اقتصاد ملی پدید آمد که بورس اوراق بهادار را نیز در بر گرفت. نخستین رویداد، تصویب لایحه قانون اداره امور بانک ها در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ توسط شورای انقلاب بود که به موجب آن بانک های تجاری و تخصصی کشور در چارچوب ۹ بانک شامل ۶ بانک تجاری و ۳ بانک تخصصی ادغام و ملی شدند. چندی بعد و در پی آن شرکت های بیمه نیز در یکدیگر ادغام گردیده و به مالکیت دولتی در آمدند و همچنین تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران در تیر ۱۳۵۸ باعث گردید تعداد زیادی از بنگاه های اقتصادی پذیرفته شده در بورس از آن خارج شوند، به گونه ای که تعداد آنها از ۱۰۵ شرکت و موسسه اقتصادی در سال ۱۳۵۷ به ۵۶ شرکت در پایان سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. (ماده ی ۳۵) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: هیأت مدیره بورس به تخلفات انضباطی کارگزاران، کارگزار / معامله گران، بازارگردانان، ناشران و سایر اعضای خود از هر یک از مقررات این قانون یا آیین نامه های ذیربط طبق آیین نامه انضباطی خود رسیدگی می نماید. رای بورس به مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در سازمان می باشد. رای سازمان قطعی و لازم الاجرا می باشد.

کمیته رسیدگی به تخلفات به منظور تکمیل تحقیقات مقدماتی، رسیدگی بدوی، انجام سایر اقدامات مربوط به تکمیل پرونده تخلفاتی و صدور رای پیشنهادی تشکیل می شود تا در هیأت مدیره بورس مربوط یا هیأت مدیره سازمان تصمیم مقتضی اتخاذ گردد. کمیته دارای سه عضو است که شامل نماینده ثابت سازمان، نماینده ثابت بورس مربوط و حسب مورد نماینده واحد گزارش دهنده در سازمان، بورس یا کانون مربوطه می باشد. نماینده بورس یا کانون از میان کارکنان خبره، مورد وثوق و با تجربه آنها انتخاب می شوند. در صورت کشف یکی از جرایم موضوع قانون بازار اوراق بهادار در جریان رسیدگی، کمیته یا نماینده سازمان مکلف است مراتب را به سازمان گزارش نماید. کمیته پس از رسیدگی به هر پرونده رای پیشنهادی خود را حسب مورد به هیأت مدیره بورس یا سازمان ارائه می کند. تجار و اشخاص فعال در بازار سرمایه در انجام فعالیت حرفه ای خود مانند هر صنف دیگری با اختلافاتی مواجه می شوند. اگرچه در قانون اساسی ایجاد دادگاه صالح برای رسیدگی به حقوق بازرگانان و رفع اختلافات آنان مورد تصریح قرار نگرفته است ولی با استفاده از عموم و اطلاقات تعداد زیادی از اصول قانون اساسی که برای سلامت فعالیت اقتصادی کشور و تامین استقلال اقتصادی جامعه وضع شده است می توان ادعا نمود ایجاد مراجع خاص برای رسیدگی به دعاوی کارگزاران، بازارگردانان، معامله گران، و سایر اشخاص ذیربط از وظایف دولت و به طور خاص از وظایف قوه قضاییه است. اقتضای امور تجاری سرعت

در معاملات و سهولت در انجام فعالیت‌های بازرگانی در سایه امنیت قضایی است. دادرسی غیر متناسب با مقتضیات امور تجاری و بیگانه با فرهنگ و عرف حاکم بر آن به قطع تاثیر منفی در فعالیت کلان اقتصادی کشور دارد. قانون بازار اوراق بهادار برای حل و فصل اختلافات بازار سرمایه پس از کمیته سازش، هیأت داوری را تعیین کرده است.

مروری بر ادبیات نظری

بازار سرمایه بطور کلی بازار سازوکاری است که به کمک آن مردم به خرید و فروش کالا و خدمات می پردازند. بازارها نیازمند بازیگران و زمان کار مشخص هستند. خریداران در بازار دارای قدرت انتخاب مناسب هستند و می توانند از بین کالاها و خدمات، بهترین آنها را انتخاب نمایند. فروشندگان نیز به خریداران بسیاری دسترسی دارند و از این رو هزینه های ارتباطی کمتری می پردازند. بازار سرمایه نیز مشابه هر بازار دیگری است، اما مهمترین کالای این بازار، سرمایه است.

بازار اولیه: بازاری است که اوراق بهادار جدید برای اولین بار برای فروش منتشر و عرضه میگردد بازار اوراق بهاداری که در آن اوراق بهادار جدید توسط شرکت های سهامی عام برای افزایش سرمایه منتشر می شود این بازار برای انتشار و عرضه اوراق بهادار جدید و تامین سرمایه شرکت ها در مرحله تأسیس یا افزایش سرمایه اختصاص دارد. بسیاری از شرکت های سهامی عام به ویژه شرکت های با مقیاس کوچک یا متوسط برای تامین سرمایه خود از عموم و توسعه فعالیت تجاری خود وارد بازار اولیه می شوند.

بازار ثانویه: شامل خریداران و فروشندگان سهام و اوراق قرضه ای است که قبلاً انتشار یافته است. برای مثال اگر فردی بخواهد سهام یا ورقه ای قرضه ای را که برای اولین بار پس از عرضه توسط یک شرکت خریداری کرده به فروش برساند باید به بازار ثانویه برود. کارگزاران اشخاصی حقیقی یا حقوقی هستند که نقش واسطه بین خریدار و فروشنده را در بازار بورس بازی می کنند. آنها در این نقش وظیفه یافتن خریدار برای فروشنده و فروشنده برای خریدار را برعهده دارند. در قانونگذاری ایران اوراق بهادار تعریف نشده است، ولی در (بند ۲ ماده ۱ قانون تاسیس بورس اوراق بهادار) (مصوب ۱۳۴۵)، دو نوع اوراق بهادار معرفی شده است. به موجب این بند: «اوراق بهادار عبارت است از سهام شرکت های سهامی و اوراق قرضه صادر شده از طرف شرکتها و شهرداریها و موسسات وابسته به دولت و خزانه داری کل که قابل معامله و نقل و انتقال باشند.»

بورس کلمه‌ای فرانسوی است که معنای آن در زبان فرانسه کیف پول می‌باشد. برای شناخت بورس و آشنایی بیشتر با آن بهتر است از (بازار) و تعریف آن شروع کنیم. در یک تعریف ساده، می‌توان گفت که بازار مکانی است که در آن خرید و فروش صورت می‌گیرد؛ و ساده‌تر این است که بگوییم هرگاه شرایطی فراهم شود که بین خریدار و فروشنده رابطه برقرار شود و معامله‌ای صورت پذیرد بازار تشکیل شده است. در بازارها به طور کلی دو نوع دارایی، دارایی‌های واقعی و دارایی‌های مالی، مورد معامله قرار می‌گیرند. دارایی‌های واقعی همان دارایی‌های فیزیکی هستند مثل زمین، ساختمان و انواع کالا مانند ماشین، لوازم خانگی و ... اما دارایی‌های مالی دارایی‌های کاغذی و بهتر بگوییم اسنادی هستند، مثل سهام و اوراق مشارکت. بورس بازاری است که در آن دارایی‌های مختلف مورد معامله قرار می‌گیرد.

به دنبال تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه ۱۳۴۰ و شروع حرکت اقتصاد ایران به سمت اقتصاد مبتنی بر بازار و افزایش فعالیت‌های صنعتی در آن دوره که تامین مالی آن بدون شک نیازمند بازارها و ابزارهای جدید بود، ایجاد بورس اوراق بهادار در دستور کار قرار گرفت و قانون تاسیس آن در اردیبهشت ۱۳۴۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و پس از

آن، بورس اوراق بهادار تهران به عنوان یکی از ابزارهای متکی به نظام بازار آزاد با هدف تشویق بخش خصوصی در اقتصاد ایران تاسیس شد و از بهمن ماه ۱۳۴۶ فعالیت خود را با پذیرش سهام بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، شرکت نفت پارس، اوراق قرضه دولتی، اسناد خزانه و اوراق قرضه عباس آباد به طور رسمی آغاز کرد.

مقنن در (ماده ۲) قانون تاسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۳۱ به ارکان بازار سرمایه اشاره کرده بود. به موجب قانون سابق، شورای بورس، هیأت پذیرش اوراق بهادار، سازمان کارگزاران بورس و هیأت داوری از ارکان بورس بودند؛ ولیکن قانون بازار اوراق بهادار به ارکان بورس اشاره ی نکرده است. با این حال، به نظر می رسد، بازار بورس و اوراق بهادار از سه رکن مهم شورای عالی بورس و اوراق بهادار، سازمان بورس و اوراق بهادار و شرکت بورس تشکیل شده است. به تصریح (ماده ۳ قانون بازار بورس و اوراق بهادار)، بالاترین رکن بازار بورس و اوراق بهادار، شورای عالی بورس اوراق بهادار است که وظیفه ی آن تصویب سیاست های کلان بازار را بر عهده دارد. از دیگر وظایف شورا می توان به اتخاذ تدابیر لازم جهت ساماندهی و توسعه ی بازار اوراق بهادار و اعمال نظارت عالیه بر اجرای قانون بازار اوراق بهادار، تعیین سیاست ها و خط مشی بازار اوراق بهادار در قالب سیاست های کلی نظام اشاره کرد. سازمان بورس نیز یکی دیگر از ارکان بازار اوراق بهادار است. بر طبق (ماده ۳ قانون بازار اوراق بهادار) سازمان بورس، یک موسسه عمومی غیر دولتی است که دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل بوده که به منظور حمایت از حقوق سرمایه گذاران و به منظور نظارت بر حسن اجرای قانون بازار و اوراق بهادار تشکیل شده است. یکی دیگر از ارکان بازار، شرکت بورس اوراق بهادار می باشد. مزیت قانون جدید بر قانون قدیم در موارد بسیاری همچون لحاظ بازار اولیه، فراهم آمدن امکان ابزار سازی، جرم شمردن معاملات شد. کمیته رسیدگی به تخلفات: این کمیته به منظور تکمیل تحقیقات مقدماتی، رسیدگی بدوی، انجام سایر اقدامات مربوط به تکمیل پرونده تخلفاتی و صدور رای پیشنهادی تشکیل می شود تا در هیأت مدیره بورس مربوط یا هیأت مدیره سازمان تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

تحلیل نوع و فرضیه های پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال صلاحیت، ساختار و نحوه رسیدگی کمیته سازش، قانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار است یک پژوهش کاربردی محسوب می شود. روش تحقیق در این پایان نامه روش توصیفی - تحلیلی است. با راهنمایی استاد ارجمند از منابع و کتب، سایت های اینترنتی و روش کتابخانه ای معرفی شده استفاده شده است. در مورد پیشینه تحقیق نیز واقعیت این است که موضوع مورد بحث در قالب کتابها و مقاله آمده و مورد مطالعه واقع شده ولی در هیچ پایان نامه و مقاله ای مورد تحقیق واقع نشده است. با توجه به بررسی چارچوب نظری فرضیه ها تحقیق به صورت زیر است:

- قانونگذار سه نهاد را برای حل و فصل نزاع در نظر گرفته است: کمیته سازش، هیأت مدیره بورس و هیأت داوری ولی عملاً هیأت مدیره بورس به عنوان نهاد متروک بلامراجعه مانده است.
- ارجاع اختلاف به کانون ها در ابتدا موضوعیت داشته و تا اختلاف در کمیته سازش بررسی نشده و گواهی مبنی بر عدم سازش صادر نشود امکان بررسی در هیأت داوری نمی باشد.
- آرایهات داوری قطعی و لازم الاجراست. لذا قابلیت تجدید نظرخواهی در داخل سازمان را ندارد. ولی به نظر می رسد اعتراض به آرای هیأت داوری از طریق اعاده دادرسی می باشد.

ساختار و تشکیلات سازمانی کمیته سازش

ساختار کمیته سازش: کمیته سازش کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار متشکل از سه عضو شامل نماینده ای از بورس ذیربط بر حسب موضوع اختلاف به انتخاب هیأت مدیره آن بورس، نماینده ای از کانون به انتخاب کانون و نماینده ای از سازمان به انتخاب هیأت مدیره می باشد. بورس ذیربط، کانون و سازمان علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک عضو علی البدل تعیین و معرفی می نمایند. تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در جلسات کمیته سازش شرکت نماید. شرایط اعضای علی البدل همانند اعضای اصلی است نماینده بورس از میان کارکنان خبره، مورد وثوق و تجربه آن انتخاب می شود. شرایط اعضای علی البدل همانند اعضای اصلی است نماینده بورس از میان کارکنان خبره، مورد وثوق و تجربه آن انتخاب می شود. نماینده کانون از میان یکی از اعضای ارکان کانون، مدیر عامل یا عضو هیأت مدیره یکی از شرکت های کارگزاری انتخاب می شود. مدت مأموریت اعضای اصلی و علی البدل دو سال می باشد و انتخاب مجدد آنها برای دوره های متوالی بلامانع است، انتخاب جایگزین هریک از اعضای اصلی و علی البدل توسط شخص منصوب کننده امکان پذیر است. هیأت سازش کانون نهادهای سرمایه گذاری ایران مرکب از سه عضو اصلی و دو عضو علی البدل می باشد و اعضای هیأت سازش توسط هیأت مدیره از اشخاص واجد صلاحیت های علمی و حرفه ای منصوب می شوند.

- **بند اول - اعضای کمیته:** هیأت سازش در اولین جلسه خود یک رئیس و یک دبیر از میان اعضای اصلی خود انتخاب می نماید. هیأت سازش و رسیدگی به تخلفات می تواند در مواقع لزوم حسب مورد از نظر افراد خبره استفاده کند در صورت فوت و از کار افتادگی و غیبت غیر موجه بیش از سه جلسه متوالی یا چهار جلسه متناوب در طی یک سال یا استعفای هر یک از اعضای اصلی هیأت سازش و رسیدگی یکی از اعضای علی البدل را با رعایت ترتیب مصوب هیأت مدیره، جانشین عضو اصلی می گرداند.

- **بند دوم - دبیرخانه کمیته:** دبیرخانه کمیته سازش کانون کارگزاران در محل کانون مستقر است؛ و امور مربوط را از قبیل دریافت شکایات، تشکیل پرونده، تعیین وقت جلسه، دعوت از تمامی اعضا، تشکیل جلسات و تنظیم صورت جلسه ها و گواهی های سازش و عدم سازش را انجام خواهد داد و مسئول دبیرخانه کمیته سازش که توسط کانون انتخاب می شود، به عنوان دبیر کمیته سازش در جلسات شرکت خواهد کرد. دبیرخانه کمیته سازش از نظر سازمانی زیر نظر دبیرکل کانون فعالیت می کنند دبیرخانه کمیته سازش موضوع دعوا را ظرف سه روز کاری پس از دریافت شکایت همراه مستندات آن به خواننده ابلاغ نموده و مهلت ده روزه ای را برای دریافت پاسخ تعیین می نماید. پس از انقضای مهلت مذکور در صورت دریافت پاسخ، حداکثر ظرف سه روز پاسخ مربوطه به خواهان ابلاغ می شود.^۱ در غیر این صورت پرونده به کمیته سازش ارسال خواهد شد. دبیرخانه کمیته سازش نسخه ای از ادعای خواهان و مستندات مربوطه را ظرف دو روز کاری جهت پیگیری امور انضباطی به سازمان ارسال می نماید. در صورتی که خواهان پاسخ خواننده را بپذیرد، طرفین ضمن حضور در دبیرخانه یا به نحو مقتضی مراتب سازش را اعلام و مستندات مربوطه را کتباً به دبیرخانه ارائه می نمایند. در صورتی که خواهان پاسخ خواننده را نپذیرد، دبیرخانه ضمن تکمیل پرونده و دریافت هزینه رسیدگی از خواهان، پرونده را به کمیته سازش ارسال می نماید. در صورتی که خواهان در جواب خواننده پاسخی ارایه ننماید جریان پرونده تا پیگیری خواهان و پرداخت هزینه رسیدگی متوقف می شود. در اساسنامه کانون نهادهای سرمایه گذاری

^۱ - میرزایی منفرد، غلامعلی، حقوق بازار اوراق بهادار بخش اختلافات، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۶۳

از تشکیلات دبیرخانه هیأت سازش اشاره ای نشده و صرفاً به انتخاب دبیر هیأت توسط اعضای هیأت سازش اشاره مختصری شده است. ولی به هر حال دبیر هیأت علاوه بر عضویت در هیأت لازم است تا نسبت به دریافت شکایات تشکیل پرونده، تعیین وقت جلسه، دعوت از تمامی اعضاء تشکیل جلسات و تنظیم صورت جلسه ها و گواهی های سازش و عدم سازش اقدام مقتضی را انجام دهد.

صلاحیت کمیته سازش: کانون ها در واقع انجمن های حرفه ای فعالان در بازار اوراق بهادار هستند که به تناسب صنف و صلاحیت، خدمات تخصصی یا نظارت های مربوط انجام می دهند. کانون ها مقررات ویژه انضباطی و حمایتی دارند که علاوه بر حمایت تخصصی از اعضاء ضوابط و استانداردهای حرفه ای و انضباطی را نیز مطابق قانون بازار وضع و اجرا می کنند.

• **بند اول-نهاد میانجیگری:** چگونگی رسیدگی در کمیته سازش کانون ها، در قالب نهاد میانجی گری است. میانجیگر حق تحمیل خواسته خود را بر اراده طرفین نداشته و نتیجه نهایی تابع اراده طرفین دعواست.

• **بند دوم-سازش اختلافات ناشی از فعالیت حرفه ای:** با تشکیل و فعالیت کانون ها، بسیاری از مسئولیت های نظارتی و رفع اختلافات اعضاء به شیوه میانجیگری برعهده کانون ها قرار می گیرد. یکی از وظایف قانونی کانون ها، تلاش در جهت حل و فصل اختلافات ناشی از فعالیت حرفه ای اعضای خود می باشد. از مزایای این تکلیف قانونی این است که به لحاظ تخصصی بودن موضوعات اختلافی و آشنایی اعضای رسیدگی کننده به سازو کارهای قانونی و اجرایی فعالیت حرفه ای اعضاء، به عنوان میانجی در حل و فصل اختلافات طرفین دعوا ایفای نقش می کنند.

• **بند سوم- صلاحیت صدور حکم یا قرار:** کمیته سازش کانون ها صلاحیت قانونی صدور رای اعم از حکم یا قرار ندارند. صدور رای در فرآیند میانجی گری که تصمیم گیری منوط به رضایت طرفین دعواست، فاقد وجهت است، بلکه حکم نهایی در هیأت داوری که صلاحیت قانونی صدور رای دارد صادر می گردد. نتیجه فرآیند میانجیگری، یک وضعیت برنده - برنده است، یعنی طرفین دعوا با صلح و سازش رضایت به وضعیت مورد توافق دارند که این وضعیت تخصصی بودن کانون ها در واقع می تواند بسیار مفید فایده سازش باشد زیرا در مورد اختلاف افرادی متبحر و متخصص به موضوع رسیدگی می کنند و این امر می تواند در تسریع روند رسیدگی و دقیق بودن آن بسیار موثر باشد. رسیدگی در کانون ها به شیوه ی میانجیگری صورت می گیرد و سعی در برقراری سازش می نمایند،^۲ بدین معنا که اعضای کمیته سازش جهت ایجاد تفاهم و توافق وارد رسیدگی به دعوا می شوند و سعی می نمایند تا طرفین را به سازش وادار نمایند، خصوصیت اساسی میانجیگری اختیاری بودن است.^۳ یعنی میانجیگر حق تحمیل خواسته خود به طرفین دعوا را ندارد.

مقایسه ی کمیته سازش با سایر مراجع حل اختلاف در بازار سرمایه

در (ماده ی ۶ قانون بازار اوراق بهادار) مقرر شده: «هیأت مدیره ی سازمان دارای ۵ عضو است که از میان افراد امین و دارای حسن شهرت و تجربه در رشته ی مالی منحصرأ از کارشناسان بخش غیر دولتی به پیشنهاد رئیس شورا و با تصویب شورا انتخاب می شوند. رئیس شورا حکم اعضای هیأت مدیره را صادر می کند.» وظایف هیأت مدیره سازمان بورس و

۱- میرزایی منفرد، غلامعلی، تحولات قانونی بازار سرمایه، فصلنامه گواه، شماره ۸ و ۹، ۱۳۸۶، ص ۴۳

۲- بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۳، ص ۴۲۲

اوراق بهادار در (ماده ی ۷) قانون مذکور احصاء گردیده است؛ که در (بندهای ۸ و ۹) این ماده هیأت مدیره به نوعی نقش نظارتی پیدا می کند.

مقایسه ی کمیته سازش با هیأت داوری: هیأت داوری بازار اوراق بهادار نوعی دادرسی شبه قضائی یا داوری اجباری است. در این نوع از داوری، قانونگذار بنا به جهاتی، هدف داوری و اختیارات حاکمیتی امر قضاء را یکجا برای آن در نظر گرفته است. سازگاری با هدف داوری به این جهت که وظیفه آن یافتن راه حلی منصفانه و عادلانه است که بدور از صرف هزینه های غیر ضرور و تاخیر و اطاله غیر لازم باشد. داشتن اختیارات قضات رسمی هم عمدتاً به این اعتبار که اولاً صلاحیت رسیدگی به اختلافات توسط هیأت داوری بازار اوراق بهادار منبعث از اراده قانونگذار و نه توافق طرفین است و ثانیاً رای آن قطعی و بنا به دلایلی که ذکر شد و می شود غیر قابل تجدید نظر در دادگاههای دادگستری است. لذا، می توان آنرا، اجتماع داوری و دادگاه در یک مرجع دانست. بر خلاف داوری های خصوصی و نیز جدای داوری (شبه قضایی) موضوع (ماده ی ۲۰) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی از دادگاه ویژه ای که برای تجدید نظر خواهی از آرای آن در قسمت دوم (ماده ی ۲۳) همان قانون منظور شده است. لذا آنرا، به لحاظ نگاه متفاوتی که به پرونده دارد و مقید به قواعد آئین دادرسی در کلیت نبوده و انعطاف پذیری بیشتری در رسیدگی دارد، داوری ولی از نوع دولتی می توان نامید که مانند برخی دادگاههای دادگستری قضائی رای قطعی لازم الاجرا صادر می کند.

- بند اول-الف- اعضای هیئت داوری: بورس اوراق بهادار در ایران به موجب قانون تاسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ تشکیل شد. در (ماده ی ۱۷) این قانون اعضای هیأت داوری معرفی شدند. (ماده ی ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار) تعداد اعضای هیئت داوری: هیأت داوری دارای سه عضو اصلی است. در قانون بازار اوراق بهادار، عضو قضایی توسط رئیس قوه قضائیه و از میان قضات با تجربه منصوب می شد. دو عضو دیگر هیأت داوری نیز از بین متخصصان و صاحب نظران اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان و تایید شورا منصوب می شوند. رئیس قوه قضائیه و سازمان با تایید شورا علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک عضو علی البدل تعیین می نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیأت داوری شرکت نمایند، شرایط عضو علی البدل همانند عضو اصلی می باشد. ولی به موجب (ماده ی ۳۷ قانون جدید) اعضای هیأت داوری بورس: نماینده ی قوه قضائیه که توسط رئیس قوه ی قضائیه از میان قضات با تجربه انتخاب و دو نفر صاحب نظر در زمینه ی اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان بورس اوراق بهادار و تایید شورای عالی بورس و اوراق بهادار در انتها رئیس قوه قضائیه و سازمان بورس با تایید شورا هر کدام یک نفر را به عنوان عضو علی البدل معرفی می نمایند.^۴

- بند اول-ب- رئیس هیأت داوری: (تبصره ی ۱ ماده ی ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار) ریاست هیأت داوری را به عهده نماینده ی قوه قضائیه قرار داده است؛ بنابراین عضو اصلی یا علی البدل منصوب از سوی رئیس قوه قضائیه عهده دار ریاست جلسه داوری و مسائل مربوط به رسیدگی به هر پرونده خواهد بود. ارجاع پرونده به هر یک از اعضا برای تنظیم گزارش ممیزی، تعیین اعضای علی البدل جلسات هیأت داوری، مدیریت امور اداری - اجرایی هیأت داوری از جمله تعیین خط مشی دبیرخانه ی هیأت داوری در پرونده های ارجاعی، ایجاد هماهنگی های لازم در مسائل

مطروحه، اقدامات مورد نیاز در بهبود امر داوری و هماهنگی با مسئولین سازمان بورس و اوراق بهادار با جلب نظراعضای اصلی و علی البدل.

- بند اول-ج- دبیرخانه هیأت داوری: فعالیت دبیرخانه هیأت داوری: در (تبصره ۳ ماده ی ۳۷) آمده است که هیأت داوری دارای دبیرخانه ای است که در محل سازمان تشکیل می گردد. در حال حاضر دبیرخانه هیأت داوری در سازمان بورس و اوراق بهادار واقع است و به تعداد مورد نیاز دارای کارمند اداری، دفتری و ... است. ریاست دبیرخانه نیز بر عهده دبیر هیأت است. دبیرخانه در سه حوزه ی اداری، اجرایی و عملی به فعالیت می پردازد.
- بند دوم صلاحیت هیأت داوری: محاکم دادگستری یا دادگاههای عمومی هر حوزه قضایی، در موردی که صلاحیت هیأت داوری بازار اوراق بهادار را در رسیدگی به دعوا وارد تشخیص دهند در اجرای (ماده ی ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب) در امور مدنی پرونده را برای تعیین و تشخیص صلاحیت بدو به دیوان عالی کشور ارسال می نمایند. رای دیوان عالی کشور درخصوص تشخیص صلاحیت، لازم الاتباع می باشد. صلاحیت هیأت داوری در ابعاد و حیثیات مختلف که شامل: صلاحیت ذاتی، صلاحیت حقوقی و فقدان صلاحیت کیفری، صلاحیت اختصاصی و اشتراکی، صلاحیت شخصی، صلاحیت موضوعی، صلاحیت کشوری و صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه شرکت های دولتی است نمود می یابد.
- مقایسه کمیته سازش با هیأت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار: این قسمت شامل ساختار و تشکیلات سازمانی هیأت مدیره و صلاحیت هیأت مدیره است.
- بند اول-ساختار و تشکیلات سازمانی هیأت مدیره: طبق (ماده ی ۶ قانون بازار اوراق بهادار) هیأت مدیره سازمان بورس از پنج عضو تشکیل شده است که از میان افراد امین و دارای حسن شهرت و تجربه در رشته مالی منحصراً از کارشناسان بخش غیر دولتی به پیشنهاد رئیس شورا و با تصویب شورا انتخاب می شوند. حکم اعضای هیأت مدیره را رئیس شورا صادر می کند.
- بند دوم- صلاحیت هیأت مدیره: هیأت مدیره ی بورس در رسیدگی به دعاوی موضوع (ماده ی ۴۳) با هیأت داوری دارای صلاحیت اشتراکی است. به موجب (ماده ی ۴۳): «ناشر، شرکت تامین سرمایه، مسئول جبران خسارت وارده به سرمایه گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائه ی اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه ی اولیه^۵ که ناشی از فعل یا ترک فعل آن ها باشد، متضرر گردیده اند.»
- بررسی مقایسه ای (هیأت مدیره بورس و کمیته سازش): شامل دو بند اشتراکها و تفاوت ها است:
- بند اول-اشتراکها: درمقایسه بین دو نهاد هیأت مدیره بورس و کمیته سازش با فحوص در منابع در دسترس مشترکات فاحش و قابل طرح در بین دو نهاد فوق الذکر مشاهده نگردید.
- بند دوم-تفاوتها: کمیته سازش کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار متشکل از سه عضو شامل نماینده ای از بورس ذیربط بر حسب موضوع اختلاف به انتخاب هیأت مدیره آن بورس، نماینده ای از کانون به انتخاب کانون و نماینده ای از سازمان به انتخاب هیأت مدیره می باشد. بورس ذیربط، کانون و سازمان علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک عضو علی البدل تعیین و معرفی می نماید. تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در جلسات کمیته سازش شرکت نماید. طبق (ماده ی ۶ قانون بازار اوراق بهادار) هیأت مدیره سازمان بورس از پنج عضو تشکیل شده است که از میان

افراد امین و دارای حسن شهرت و تجربه در رشته‌ی مالی منحصراً از کارشناسان بخش غیر دولتی به پیشنهاد رئیس شورا و با تصویب شورا انتخاب می‌شوند. حکم اعضای هیأت مدیره را رئیس شورا صادر می‌کند؛ و همچنین کمیته سازش وظیفه رسیدگی به اختلافات را دارد در حالی که هیأت مدیره بورس وظیفه اداره سازمان را دارد. و از نظر ساختاری نیز این دو نهاد تفاوت‌هایی دارد از جمله این که: دبیرخانه کمیته سازش کانون کارگزاران در محل کانون مستقر است؛ و امور مربوط را از قبیل دریافت شکایات، تشکیل پرونده، تعیین وقت جلسه، دعوت از تمامی اعضا، تشکیل جلسات و تنظیم صورت جلسه‌ها و گواهی‌های سازش و عدم سازش را انجام خواهد داد و مسئول دبیرخانه کمیته سازش که توسط کانون انتخاب می‌شود، به عنوان دبیر کمیته سازش در جلسات شرکت خواهد کرد. دبیرخانه کمیته سازش از نظر سازمانی زیر نظر دبیرکل کانون فعالیت می‌کنند دبیرخانه کمیته سازش موضوع دعوا را ظرف سه روز کاری پس از دریافت شکایت همراه مستندات آن به خواننده ابلاغ نموده و مهلت ده روزه ای را برای دریافت پاسخ تعیین می‌نماید. پس از انقضای مهلت مذکور در صورت دریافت پاسخ حداکثر ظرف سه روز پاسخ مربوطه به خواهان ابلاغ می‌شود. در حالی که هیأت مدیره بورس فاقد چنین ساختاری است.

نحوه رسیدگی توسط کمیته سازش

مراحل رسیدگی: (هیأت سازش و رسیدگی به تخلفات) یکی از ارکان کانون نهادهای سرمایه گذاری است که به منظور رسیدگی، اظهار نظر و ایجاد سازش در پرونده‌های اختلافات حرفه‌ای بین اعضا و سایر اشخاص ناشی از فعالیت حرفه‌ای آنها و تخلفات حرفه‌ای اعضای کانون و شکایت از آنها یا سایر موضوعاتی که از طرف هیأت مدیره کانون به هیأت مذکور احاله شود، تشکیل می‌شود. با این وصف، صلاحیت هیأت مزبور نسبت به نهاد همتای خود در کانون کارگزاران یعنی (کمیته سازش کانون کارگزاران)، از حیث موضوعی وسعت بیشتری دارد و علاوه بر رسیدگی به اختلافات، شامل بررسی و تصمیم‌گیری در مورد تخلفات حرفه‌ای اعضای کانون نیز می‌شود، حتی تمایل تدوین کنندگان اساسنامه کانون نهادهای سرمایه گذاری به وسعت صلاحیت هیأت سازش و رسیدگی به تخلفات تا آنجا بوده است که با گنجاندن عبارت (سایر موضوعاتی که از طرف هیأت مدیره به هیأت مذکور احاله شود) حیطه وظایف و صلاحیت‌های این هیأت را تا حدود زیادی منعطف نگاه داشته‌اند.^۶ با این حیطه وسیع و منعطف از صلاحیت، تدوین مقررات و ضوابط مربوط به شیوه عملکرد این هیأت اهمیتی غیر قابل انکار دارد و شاید با همین فکر بوده است که تدوین این مقررات شکلی به خود هیأت سپرده شده است.

• **بند اول -** رسیدگی بدوی در کمیته سازش: با عنایت به اینکه هیأت داوری زمانی وارد رسیدگی ماهوی به پرونده‌ها شده که دادخواست و مدارک و مستندات مربوط تکمیل و ارائه شده باشد، طرح ابتدایی دعاوی ناشی از فعالیت حرفه‌ای فعالان بازار موضوع (ماده ی ۳۶ قانون بازار) به دبیرخانه هیأت داوری منجر به صدور اخطار رفع نقص این دبیرخانه خواهد شد. البته رویه عملی ممکن است متفاوت باشد. گاهی خواهان دعوا ضمن تکمیل دادخواست و ارائه مدارک، درخواست رسیدگی می‌کند و یا ممکن است در قالب نامه ارسالی از طریق اتوماسیون اداری ارسال دورنگار و یا مکاتبه ای درخواست رسیدگی نمایند. در حالت اول چون دادخواست ارائه می‌شود، دبیرخانه مکلف است آن را فوراً ثبت و رسید تسلیم نماید و سپس ظرف مهلت دو روز اخطار رفع نقص صادر کند. در حالت دوم، دبیرخانه تکلیفی به اقدام ندارد اما از باب ارشاد خواهان فرایند رسیدگی طی پاسخی کتبی به وی ابلاغ می‌گردد.

^۶ - رامین، محمد علی، حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه، انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴

- **بند دوم-** حاکمیت اراده طرفین دعوا: میانجیگر می تواند در بیان مقررات قانونی، اقداماتی که منجر به تقریب خواسته های طرفین و در نهایت سازش دعوا باشد همچنین ارجاع به کارشناسی یا اجرای پیشنهاد یکی از طرفین، انجام دهد، اما حق تحمیل و اجبار به سازش ندارد؛ (اعضای کمیته سازش به عنوان میانجی گر، موضوع اختلاف را برای طرفین دعوا تحلیل و تشریح و در جهت حل و فصل مسألت آمیز آن تلاش می نمایند. در هر صورت، حصول سازش با اعلام رضایت طرفین دعوا امکان پذیر بوده و کمیته حق تحمیل سازش بر طرفین را ندارد).
- **بند سوم-** خروجی رسیدگی کمیته: خروجی و نتیجه عملکرد در کانون در صورت حصول سازش بین طرفین دعوا اصطلاحاً به شکل برنده- برنده بروز خواهد کرد؛ یعنی طرفین دعوا اختلافات مالی ناشی از فعالیت حرفه ای خود را بدون الزام و اجبار قانونی و با میل و اراده خود و در جهت جبران خسارت وارده حل و فصل می کنند. در غیر این صورت کانون مربوطه گواهی عدم امکان حصول سازش بین طرفین دعوا صادر و به طرفین دعوا ارائه می کند.
- **بند چهارم-** واقعی بودن سازش یا عدم سازش: رسیدگی در کمیته سازش کانون ها و حصول سازش یا عدم سازش باید مطابق با واقع و در پی فرآیند تلاش و کوشش کمیته در ایجاد سازش باشد. لذا در صورت صدور گواهی عدم سازش توسط کانون مربوطه بدون تلاش واقعی جهت حل و فصل مسألت آمیز اختلاف، با تکلیف قانونی مطابقت نداشته و می تواند از موارد ایراد توسط هیأت داوری نیز به شمار می رود. لذا می توان اظهار داشت فرآیند میانجی گری کانون ها از بعد رویه و آیین رسیدگی، تابع مقررات کلی نهاد میانجی گری است که در آن میانجی گر با ارائه یک رویه مذاکره و بیان موضوع اختلاف، طرفین را جهت رسیدن به یک توافق مشترک مساعدت می نماید.
- **بند پنجم-** تشخیص فعالیت حرفه ای: با توجه به اینکه کانون ها و به تبع آن هیأت داوری صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه ای فعالان موضوع قانون بازار اوراق بهادار را بر عهده دارد و با عنایت به اینکه رسیدگی بدوی به پرونده ها در کانون مربوطه به عمل می آید. آیا تشخیص حرفه ای بودن یا نبودن موضوع در صلاحیت کمیته سازش کانون است یا هیأت داوری؟ به نظر می رسد پذیرش این نظر که کمیته سازش می تواند تصمیم اتخاذ کرده و نظر خود را به طرفین تحمیل و از رسیدگی به دعوا یا ارجاع به هیأت داوری استنکاف نماید، چندان با جایگاه قانونی و صلاحیت میانجی گری این نهاد سازگاری ندارد.
- **بند ششم-** صدور گواهی سازش یا عدم سازش: طرفین دعوا یا نمایندگان آنان پس از تعیین وقت رسیدگی در جلسه کمیته سازش شرکت کرده و در صورت حصول سازش، گواهی سازش صادر می کند و پس از ابلاغ به طرفین، پرونده را مختومه می نماید. در غیر این صورت، ضمن صدور گواهی عدم سازش و ارائه به طرفین دعوا و ارسال رونوشت به دبیرخانه هیأت داوری، خواهان را جهت طرح دعوای خود به هیأت داوری ارشاد می نماید. گواهی عدم سازش شامل مشخصات اطراف دعوا، موضوع اختلاف و ادعای خواهان، پاسخ خوانده و پیشنهادات کمیته سازش نسبت به موضوع متنازع فیه و در نهایت اعلام عدم امکان حصول سازش بین طرفین می باشد.
- **سازماندهی اعضای کمیته سازش:** بر اساس (ماده ی ۳) دستور العمل کمیته سازش، اعضای کمیته سازش بر دو صنف اند، اعضای اصلی و اعضای علی البدل. شرایط انتخاب، فعالیت و ختم عضویت اعضای علی البدل، همانی است که برای اعضای اصلی مقرر است. پس بررسی این شرایط در مورد اعضای اصلی به معنای بررسی آن در مورد اعضای علی البدل نیز هست، فرق این دو صنف را باید در موارد حضورشان در جلسات کمیته سازش پیدا کرد.^۷

^۷ - رامین، محمد علی، حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه، انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۸۷

- بند اول- اعضای اصلی: کمیته سازش، سه عضو اصلی دارد. یکی از این اعضا را هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار انتخاب می نماید. این عضو باید برای شرکت در جلسات کمیته سازش به عنوان نماینده سازمان بورس و اوراق بهادار، ابلاغ رسمی دبیرخانه هیأت مدیره این سازمان را داشته باشد. یکی دیگر از اعضای کمیته سازش را کانون کارگزاران انتخاب می کند که بر اساس تبصره ۲ (ماده ی ۳) دستورالعمل کمیته سازش باید. انتخاب این عضو کمیته سازش از اختیارات هیأت مدیره کانون کارگزاران است. عضو دیگر کمیته سازش را (هیأت مدیره بورس ذی ربط بر حسب موضوع اختلاف) از میان کارکنان خبره، مورد وثوق و با تجربه به عنوان نماینده خود انتخاب می نماید.
- بند دوم- اعضای علی البدل: کمیته سازش آن طور که ذیل (ماده ی ۳) دستورالعمل کمیته سازش مقرر کرده است، سه عضو علی البدل نیز دارد، سازمان بورس و اوراق بهادار، کانون کارگزاران و بورس ذی ربط علاوه بر نماینده اصلی خود، هر یک عضو علی البدل تعیین و معرفی می نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در جلسات کمیته سازش شرکت نمایند. شرایط اعضای علی البدل همانند اعضای اصلی است.
- ادامه روند آیین رسیدگی توسط کمیته سازش: قانون بازار، طرفین بسیاری از اختلافات را ملزم کرده است تا نزد کانون ها، مسیری را بپیمایند که نشان دهد نخواسته یا نتوانسته اند اختلافشان را به سازش خاتمه دهند. پیمودن این مسیر نزد کمیته سازش کانون کارگزاران، شیوه ی ویژه ای دارد که دستورالعمل کمیته سازش آن را به تصویر کشیده است، شیوه ای که طرفین اختلاف و سایر تلاش گران برای حصول سازش در این کانون، بایستی به آن پای بند بوده و از آن متابعت کنند. این ناشی از حاکمیت قانون است.
- بند اول- انجام مکاتبات لازم میان طرفین اختلاف به واسطه دبیرخانه: دبیرخانه کمیته سازش پس از وصول شکایت و پیش از تعیین نوبت برای رسیدگی به آن در کمیته، موظف است مکاتباتی را میان طرفین اختلاف، سامان دهد. (ماده ی ۷) دستورالعمل کمیته سازش مقرر کرده است: «دبیرخانه کمیته سازش موضوع دعوا را ظرف سه روز کاری پس از دریافت شکایت به همراه مستندات آن به خوانده ابلاغ نموده و مهلت ده روزه ای را برای دریافت پاسخ تعیین می نماید. پس از انقضای مهلت مذکور، در صورت دریافت پاسخ حداکثر ظرف سه روز پاسخ مربوطه به خواهان ابلاغ می شود. در غیر این صورت، پرونده به کمیته سازش ارسال خواهد شد.» بر طبق (ماده ی ۹) دستورالعمل کمیته سازش که مقرر داشته: «در صورتی که خواهان، پاسخ خوانده را نپذیرد، دبیرخانه ضمن تکمیل پرونده و دریافت هزینه رسیدگی از خواهان، پرونده را به کمیته سازش ارسال می نماید.» در تبصره این ماده نیز مقرر شده است که: «در صورتی که خواهان در جواب خوانده پاسخی ارائه ننماید، جریان پرونده تا پیگیری خواهان و پرداخت هزینه رسیدگی متوقف می شود.» به این ترتیب، خواهان در موضع انفعال قرار می گیرد و برای خروج از این وضع ناچار می شود که موضع خود را در قبال پاسخ خوانده مشخص کند.
- بند دوم-انجام بررسی های مقدماتی و تعیین نوبت رسیدگی: کمیته سازش با اطمینان از صلاحیت خویش به بررسی مقدماتی پرونده می پردازد و ممکن است حسب مورد تهیه گزارشی کارشناسانه را در خصوص موضوع، لازم بداند. (ماده ی ۱۱) دستورالعمل مزبور در این ارتباط مقرر کرده است که: «کمیته سازش پس از بررسی مقدماتی پرونده، چنانچه تهیه گزارش کارشناسی را ضروری تشخیص دهد. مراتب را به دبیرخانه اعلام می نماید. پس از تهیه گزارش کارشناسی یا در صورت احراز عدم نیاز به تهیه گزارش کارشناسی توسط کمیته سازش، دبیرخانه به دستور کمیته سازش نوبت رسیدگی تعیین می نماید.»

- **بند سوم: برگزاری جلسات تلاش برای سازش و نتیجه آن:** صدور یکی از دو گواهی سازش و عدم سازش است. محتوای گواهی عدم سازش صادره از سوی کمیته را (ماده ی ۱۳) این دستورالعمل، مشخص کرده است. بر طبق این ماده ی: «گواهی عدم سازش شامل مشخصات اطراف دعوا، موضوع اختلاف و ادعای خواهان، پاسخ خوانده و پیشنهادات کمیته سازش نسبت به موضوع متنازع فیه و در نهایت اعلام عدم امکان حصول سازش بین طرفین می باشد.» به عکس، دستورالعمل مزبور از محتوای گواهی سازش سخنی به میان نیاورده است اما مسلم است درج مواردی که برای تشخیص اطراف، مراتب و محتوای قرارداد سازش ضروری باشد در این گواهی الزامی است.
- **بند چهارم-وکالت در جریان سازش:** صدر (ماده ی ۱۲) دستورالعمل کمیته سازش مقرر کرده است: «که نمایندگان طرفین دعوی نیز می توانند به جای آنان در جلسات کمیته شرکت کنند.» با این وصف و به پیروی از اصل، مکاتباتی نیز که باید به واسطه دبیرخانه کمیته میان طرفین اختلاف انجام شود ممکن است توسط نمایندگان آنان صورت بگیرد به ویژه که دستورالعمل مزبور صراحتاً انجام مکاتبات را، بر شخص طرفین دعوی لازم نکرده است. این نمایندگان اعم اند از: نمایندگان قانونی و قراردادی. نمایندگان قانونی اقسام مختلفی دارند و البته باید حیطه اختیارات و امکان انعقاد صلح را از جانب هر یک از آنان به تفکیک و در منابع مربوط، پیگیری کرد، چندانکه وفق (ماده ی ۱۲۴۲ قانون مدنی) مقرر می دارد: «قیم می تواند دعوی مربوط به مولی علیه را به صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم.» همین ممنوعیت، برای امین غایب و جنین نیز مقرر است اما برای ولی یا وصی چنین محدودیتی وجود ندارد. در کنار نمایندگان قانونی، نمایندگان قراردادی مطرح اند و بحث اصلی نیز پیرامون دسته ای از این نمایندگان است که می توان به آنان عنوان کلی (وکیل) را اطلاق کرد.^۸

اتخاذ تصمیم توسط کمیته سازش

اجرای مفاد سازش: ماحصل نهایی جلسات کمیته سازش، صدور یکی از دو گواهی سازش یا عدم سازش است. صدور گواهی اخیر، راه را برای طرح دعوی به توسط (خواهان) در هیأت داوری هموار می کند و حل اختلاف را وارد مرحله جدیدی می نماید که باید در جای خود به بررسی آن پرداخت اما در فرضی که طرفین اختلاف به سازش نایل می شوند، کمیته سازش اقدام به صدور گواهی به نام (گواهی سازش) می نماید.

بند اول-تعارض مقرر حاکم با مواضع فقهی و حقوقی: زمانی که طرفین یک اختلاف، به سازش می نشینند و پیمان صلحی را منعقد می کنند، راه حلی را بر می گزینند که پایان دهنده اختلافشان باشد پس منطقی است که لزوم تبعیت از این راه حل نیز، از مقاصد مشترک طرفین است و باید از انحراف از این مهم تا حد ممکن پرهیز کرد. فقهای امامیه نیز با استناد به اصل لزوم،^۹ همین نتیجه را در مورد تمامی انواع عقد صلح گرفته اند و (ماده ی ۷۶۰ قانون مدنی) نیز آن را در مورد عقد صلح به صراحت بیان کرده است. بر طبق ماده مزبور که مقرر داشته: «صلح عقد لازم است اگر چه در مقام عقود جایزه واقع شده باشد و بر هم نمی خورد مگر در موارد فسخ به خیار یا اقاله.» البته شمار خیاراتی که فسخ صلح را برای یکی از طرفین، ممکن می کند بسته به نوع صلح متفاوت می شود، در صلح ابتدایی (ماده ی ۴۵۶ قانون مدنی) و در صلح دعوی، (ماده ی ۷۶۱ قانون مدنی) است که در این مورد، مراعات می شود. وفق ماده خیر: «صلحی که در

^۸ - کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد ۴، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳

^۹ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق مدنی رهن و صلح، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۰، ص ۲۶۱

مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد قاطع بین طرفین است و هیچ یک نمی تواند آن را فسخ کند اگر چه به ادعای خیار غبن باشد مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار.»

• **بند دوم- لزوم اصلاح مقررہ معارض:** مخالفت (ماده ی ۱۵) دستورالعمل کمیته سازش با مواضع فقهی مربوطه، امری کاملاً مردود است چرا که بر اساس اصل چهارم قانون اساسی (به مجلس شورای اسلامی یا هیچ نهاد تصمیم گیرنده دیگری اجازه داده نشده است که بر خلاف احکام شرعی، مصوبه ای داشته باشد). مطابق این اصل: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.» اگر چه قانون اساسی مبتنی بودن همه قوانین و مقررات را بر موازین اسلامی پیش بینی کرده است و در نتیجه، مخالفت قوانین و مقررات با موازین شرعی در واقع مخالفت با قانون اساسی نیز هست اما بنا به آن چه از اصل نود و ششم قانون اساسی بر می آید، اطلاق عنوان (مخالفت با قانون اساسی) به چنین مواردی، صحیح به نظر نمی رسد.

اجباری بودن فرآیند میانجیگری: فرآیند طرح دعوا در کانون ها از جنبه اختیاری یا اجباری بودن، بر خلاف میانجیگری عمومی، نوعی ارجاع اجباری است نه اختیاری. بدین معنا که طرفین دعوا الزاماً می بایست فرآیند رسیدگی در کانون را طی کرده باشند تا پرونده قابل طرح در هیأت داوری باشد و حال آن که میانجیگری معمولی یکی از شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف خارج از ساز و کار قضایی است که با توافق و تراضی طرفین دعوا شروع، جریان و خاتمه می یابد. لذا چنانچه خواهان یا خوانده دعوا به منظور اخذ رای قطعی هیأت داوری، تمایل به عدم ورود به فرایند کمیته سازش کانون را داشته باشد، دعوای وی بدون طرح در هیأت داوری توسط دبیر هیأت با درخواست رفع نقص مواجه خواهد شد.

• **بند اول- جبران خسارت:** یکی از مزایای رسیدگی اجباری به شکل میانجی گری این است که علاوه بر جبران خسارات مادی و مالی، خسارت های معنوی نیز لحاظ شده و با میانجیگری اعضای کمیته رسیدگی کننده، کدورت ها و سوء تفاهم های احتمالی بین طرفین نیز مرتفع می شود. بدین شکل امکان ورود مجدد زیان دیده به بازار نیز افزایش می یابد.

• **بند دوم- تنها نهاد صالح جهت رسیدگی بدوی:** با عنایت به اجباری بودن طرح دعوا در کانون، به عنوان مقدمه طرح در هیأت داوری، طرفین نمی توانند گواهی عدم سازش خود را از طریق مرجع و نهادهای غیر از کانون اخذ کرده و به هیأت داوری ارائه نمایند. آری طرفین دعوا برای رفع اختلاف خود و استفاده از ساز و کار غیر قضایی حل و فصل اختلافات می توانند اختلاف خود را به هر شخص ثالثی در قالب داوری اختیاری موضوع قانون آیین دادرسی مدنی یا سایر داوری های سازمانی ارجاع دهند،^{۱۰} اما در صورت تمایل به پیگیری دعوا در هیأت داوری و اخذ رای قطعی، الزاماً موضوع باید در کانون مربوطه طرح و گواهی عدم سازش نیز توسط آن کانون صادر گردد.

• **بند سوم- کانون مرتبط:** با توجه به تشکیل کانون های متعدد به اعتبار فعالان متعدد در بازار اوراق بهادار طبیعی است که هر شخص حقیقی یا حقوقی، اعم از سرمایه گذار، کارگزار، ناشر و ... باید به کانون مربوطه خود جهت طی مرحله سازش مراجعه نماید. در صورتی که طرفین اختلافات عضو یک کانون باشند مشکلی حادث نمی شود، اما

^{۱۰} - سوادکوهی فر، سام، هیأت داوری بازار اوراق بهادار، شرکت اطلاع رسانی بورس، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۱۴

چنانچه اختلاف بین دو شخص که هر کدام عضو کانون جداگانه باشند رسیدگی بدوی در کدام کانون به عمل خواهد آمد؟ به نظر می رسد با توجه به مرتبط بودن موضوع اختلاف به هر کدام از کانون ها و آشنایی اعضای آن کانون به رویه های جاری و مقررات مربوطه، رسیدگی در هر کدام از کانون ها خالی از اشکال است و تشخیص کانون صالح به لحاظ ماهیت رسیدگی در کانون، تابع مقررات صلاحیت ذاتی نمی باشد. البته با عنایت به عمومات آیین دادرسی مدنی می توان گفت که طرح دعوا در کانونی صورت گیرد که خواننده عضو آن است.

قانون حاکم بر روند تلاش برای سازش: نه قانون بازار و نه اساسنامه کانون کارگزاران، قانون خاصی را بر روند تلاش برای سازش نزد این کانون، حاکم نکرده اند. دستورالعمل کمیته سازش نیز اگر چه مقررات ویژه معدودی را بر این روند حاکم کرده است اما قانون خاصی را برای هدایت جریان تلاش برای سازش در این کمیته بر نگزیده است. نتیجه این وضع آن است که جز در مورد مقررات انگشت شمار دستورالعمل کمیته سازش، برای ساماندهی و مدیریت روند تلاش برای سازش باید تابع قواعد عمومی موجود بود، قواعدی که در تشخیص آنان، قانون آیین دادرسی مدنی میتواند مستند مناسبی باشد؛ اما شکی نیست که در استناد به آن هیچ اجباری وجود ندارد؛ چرا که لزوم تبعیت از آن در هر مرجعی، موکول به تصریح قانونی است و در مورد کمیته سازش کانون کارگزاران چنین تصریحی وجود ندارد. بر این اساس است که پیشنهاد تعیین یا تصویب مقرراتی برای حاکمیت بر این مرحله اجباری در حل اختلافات (میرزایی منفرد، غلامعلی، پیشین، ص ۳۸) کاملاً منطقی به نظر می رسد.

- بند اول- دریافت شکایت توسط دبیرخانه کمیته و شروع به رسیدگی: اولین گام در جریان تلاش برای سازش نزد کمیته سازش کانون کارگزاران آن است که دبیرخانه کمیته، شکایت شخصی را دریافت نماید. پس از دریافت شکایت، مکاتباتی میان طرفین اختلاف انجام می شود و در صورتی که میان طرفین، توافق حاصل نشود، پرونده به کمیته سازش ارسال می گردد تا این کمیته برای حصول سازش بین اطراف اختلاف تلاش نماید.

- بند دوم- دریافت شکایت توسط دبیرخانه کمیته سازش: تنها راه طرح شکایت نزد این کمیته، مراجعه به محل دبیرخانه آن نیست. در ابلاغیه مدیریت نظارت بر کارگزاران سازمان بورس و اوراق بهادار به شماره ۱۱۰۲۰۰۳۱ مورخ ۳۱ فروردین ۱۳۸۸ آمده است که شکایات مزبور: «از طریق سایت شکایات سازمان بورس و اوراق بهادار به آدرس <http://shekayat.Seo.ir/default.aspx> و مراجعه حضوری به سازمان (بورس و اوراق بهادار)، کانون (کارگزاران) و بورس ها و تالار مناطق قابل دریافت می باشد. شکایات پس از ثبت در سیستم شکایات توسط کانون (کارگزاران) از طریق اتوماسیون اداری برای کارگزاران ارسال می گردد...» (گروه پاسخگویی به شکایات) سازمان بورس و اوراق بهادار که پایگاه الکترونیکی مذکور را در اختیار دارد. گروه پاسخگویی به شکایات از زمان تشکیل (اسفند ماه سال ۱۳۸۵) تا کنون شکایات مردمی را از طریق مراجعه حضوری، فاکس و ارسال پستی دریافت و پاسخ می دادند و سرعت عمل گروه یاد شده در پاسخگویی به شکایات در حد کاملاً مطلوب و به طور میانگین بین یک ساعت تا دو هفته بوده است؛ اما با راه اندازی (سیستم مکانیزه پاسخگویی به شکایات) روند پاسخگویی به شکایات علاوه بر از بین رفتن هزینه های ایاب و ذهاب یا هزینه های پستی، سرعت قابل توجهی را در بر خواهد داشت. همچنین از طریق این سیستم عموم مردم می توانند از طریق کد رهگیری که سیستم در اختیار آنان قرار می دهد یا شماره ملی خود بر فرآیند رسیدگی به شکایت خود نظارت کنند و اطلاع حاصل نمایند که شکایت آنها در چه مرحله ای از رسیدگی است و پاسخ نهایی چه زمانی در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. در فاز دوم این طرح مقرر گردیده است که به محض قرارداد

پاسخ نهایی به شکایت، پیامکی با مضمون کامل بودن پاسخ شکایت به شاکی ارسال گردد و شاکی با استفاده از کد رهگیری به سایت مراجعه و پاسخ خود را دریافت نماید. امکان اعتراض به پاسخ شکایت نیز در سیستم یاد شده برای شاکی فراهم گردیده تا شاکی با استفاده از همان کد رهگیری یا شماره ملی خود به سایت مراجعه نماید و علاوه بر ارسال مستندات جدید، نسبت به پاسخ ارائه شده اعتراض نماید و خواستار اطلاعات و پاسخ دقیق تری ... شود. پایگاه الکترونیکی مزبور در قسمت مربوط به (طرح شکایت)، اقدام به دسته بندی اشخاص مورد شکایت نموده و برای ارسال مستندات شکایت، علاوه بر پیش بینی مسیر لازم از طریق پایگاه، امکان ارسال مستندات مزبور را از طریق دورنگار و پست نیز فراهم نموده است.

نتیجه گیری

بورس محلی جهت داد و ستد و معامله اوراق بهادار است و در این معاملات ممکن است اختلافاتی بین طرفین رخ دهد. لذا وجود نهادی برای حل و فصل اختلافات ناشی از معاملات بورس از همان ابتدا احساس می شد. در نخستین قانون بازار سرمایه ایران جهت حل و فصل اختلافات هیأت داوری پیش بینی شد و به عنوان یکی از ارکان چهارگانه بورس معرفی گردید. در سال ۱۳۸۴ با تصویب قانون بازار اوراق بهادار قانون تاسیس بورس اوراق بهادار ۱۳۴۵ نسخ گردید ولی در این قانون نیز هیأت داوری جایگاه خود را به عنوان یکی از ارکان بورس حفظ کرد و با تغییراتی همچنان به فعالیت خود ادامه داد.

قانون بازار اوراق بهادار حل اختلافات و فصل نزاع را به سه مرجع واگذار نموده است این مراجع عبارتند از کانون ها؛ هیأت داوری و هیأت مدیره بورس؛ کانون ها نهادهای تخصصی هستند که به تناسب صنف و صلاحیت؛ خدمات تخصصی و نظارت های مربوط را انجام می دهند تخصصی بودن کانونها در واقع میتواند بسیار مفید باشد زیرا در هر اختلافی افرادی متبحر و متخصص به موضوع رسیدگی می کنند رسیدگی در کانون به روش میانجیگری صورت میگیرد. سعی در برقراری سازش می نمایند و به هیچ وجه رای صادر نمی کنند چنانچه دعوای طرفین به سازش ختم گردد دیگر نوبت به ارجاع اختلاف به هیأت داوری نمی رسد در غیر این صورت کانونها اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش خواهند نمود به طور کلی میتوان گفت پیش بینی کانونها تابع قوانین و مقررات آیین دادرسی یا قانون دیگری نیست لذا هرکانون ممکن است به شیوه و روشی که خود می پسندد اقدام به حل و فصل اختلافات و سازش نماید و این امر منجر به ایجاد رویه های گوناگون در رفع منازعه گردد لذا پیشنهاد می گردد قوانین و مقررات یکنواختی پیش بینی شده تا حتی الامکان نظم و هماهنگی بین کانون ها بیشتر شود از طرف دیگر با توجه به حجم دعوای مطرح شده قانون گذار در دعوای جزئی و کم اهمیت به کانونها قدرت اصدار رای دهد و بدین وسیله هیأت داوری را از دعوای جزئی و کم اهمیت معاف دارد. هیأت مدیره بورس در رسیدگی به جبران خسارت سرمایه گذارانی که در اثر تقصیر؛ تخلف؛ ارایه اطلاعات ناقص و خلاف واقع ناشر؛ شرکت تامین سرمایه؛ حسابرس؛ ارزشیابان و مشاوران حقوقی ناشر متضرر شده اند با هیأت داوری صلاحیت اشتراکی دارد و این صلاحیت هم عرض صلاحیت هیأت داوری در رسیدگی است اما همزمان قابل طرح در دو مرجع نمی باشد با توجه به ماهیت غیر قضایی این مرجع و این که تاکنون دعوایی نزد این مرجع طرح نشده رویه رسیدگی؛ صدور آراء؛ قابلیت اجراء و ضمانت اجرا آنها نیز مشخص نیست پیشنهاد می گردد صلاحیت رسیدگی به اختلافات در این زمینه از هیأت مدیره برداشته شده و به هیأت داوری با توجه به صلاحیت و ماهیت آن واگذار گردد.

مرجع مهم حل و فصل نزاع بازار سرمایه هیأت داوری است. صلاحیت هیأت داوری در رسیدگی به دعاوی از جهات مختلف قابل تقسیم می باشد مهم ترین صلاحیت؛ صلاحیت ذاتی آن است که به موجب آن در صورت حدوث اختلاف بین فعالان بازار اوراق بهادار موضوع ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار ناشی از فعالیت حرفه ای آنها در صورت عدم سازش در کانون های مربوط فقط هیأت داوری صالح به رسیدگی به این پرونده ها بوده و دادگاههای دادگستری نمی توانند به اعتبار مرجع رسمی تظلمات عمومی به این دعاوی رسیدگی کنند هیأت داوری بازار اوراق بهادار واجد صلاحیت حقوقی و فاقد صلاحیت کیفری می باشد در حقیقت خروجی هیأت داوری صدور رای مبنی بر جبران خسارت و یا رد ادعاست و رسیدگی به جرایم در صلاحیت مراجع قضایی می باشد از حیث صلاحیت شخصی با تصویب قانون بازار اوراق بهادار صلاحیت هیأت داوری به کلیه فعالان بازار اوراق بهادار اعم از سرمایه گذار؛ کارگزار؛ ناشران؛ مشاوران سرمایه گذاری و... گسترش یافته تا بدین طریق رسیدگی به پرونده های آنان از صلاحیت مراجع عمومی دادگستری منتزع گردد لازم به ذکر است هیأت داوری قانون تاسیس بورس اوراق بهادار فقط صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین کارگزار؛ سرمایه گذار و کارگزاران را داشت لذا در قانون جدید دامنه صلاحیت مراجع قضایی دادگستری منتزع گردید رسیدگی به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه ای به صلاحیت موضوعی هیأت مربوط می شود که منظور از فعالیت حرفه ای هر نوع تکالیف و حقوق قانونی فعالان بازار در ارتباط موضوع فعالیت قانونی که در دامنه صلاحیت آن عضو است صلاحیت هیأت محدود به قلمرو استان یا منطقه خاصی نبوده و هرگونه اختلاف بین فعالان بازار در هر نقطه ای از کشور قابلیت طرح و رسیدگی در هیأت داوری را داراست با توجه به این که داوری مقرر در ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار تکلیف قانونی است هیأت صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه شرکت های دولتی را نیز دارد.

هیأت داوری بازار اوراق بهادار از حیث ماهیت یک مرجع قضایی به معنای اخص نبوده زیرا دو عضو از اعضای آن غیر قضایی بوده و به علاوه منصوب قوه مجریه اند نه قضاییه هیأت داوری ماهیتاً داوری نیز نیست زیرا از حیث منشا اعتبار اعضا؛ عدم تقید به زمان در رسیدگی ها عدم دریافت حق الزحمه از طرفین دعوا وجود آیین رسیدگی مشخص عدم امکان تغییر تعداد داوران؛ امکان رسیدگی به دعاوی علیه شرکت های دولتی؛ امکان اظهار نظر نسبت به اصل معامله؛ عدم امکان رد اعضا با توافق طرفین و اجرای آرا با داوری اختیاری موضوع آیین دادرسی مدنی متفاوت است. می توان گفت این مرجع به طور قطع یک مرجع اختصاصی است زیرا صلاحیت آن خاص است و میتوان گفت این مرجع رسیدگی به تظلمات عمومی نیست اما با توجه به تفاوت آن با سایر مراجع اختصاصی به نظر یک مرجع اختصاصی غیر دادگستری است که در مقایسه با سایر مراجع اختصاصی از اوصاف و امتیازات بیشتری برخوردار می باشد چرا که یک مقام قضایی برجسته و با تجربه در راس آن قرار دارد ماهیت رسیدگی ها و آرا و احکام حقوقی و قضایی است و به تصریح قانون گذار آرای قطعی و لازم الاجراست.

پس هیأت داوری بازار اوراق بهادار یک مرجع اختصاصی غیر دادگستری ویژه است که میتوان آن را به اعتبار شباهت عملکرد و رسیدگی آن با مراجع قضایی و به دلیل خاص بودن صلاحیت آن یک مرجع شبه قضایی نیز نامید؛ یعنی صرف نظر از اعضای غیر قضایی و با توجه به ماهیت صلاحیت و عملکرد فعالیت قضایی منتها شکل خاص و اختصاصی دارد بنابراین این ایراد به قانون گذار وارد است که با توجه به عدم اعمال و اجرای قواعد داوری در فرآیند رسیدگی و

صدور حکم و اجرای آرای این نهاد بکارگیری واژه داوری مناسب به نظر نمی رسد لذا پیشنهاد می گردد به جای هیأت داوری از عبارت هیأت حل اختلاف استفاده گردد.

۱-مراجع

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت های تجاری، جلد ۲، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۸
۲. بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۳
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۶
۴. جعفری، علی، اصول و مبانی سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار، انتشارات کیومرث، چاپ هفتم، ۱۳۹۴
۵. جهانخانی، علی؛ پارسیان، علی، کتاب بورس اوراق بهادار، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، چاپ دوم،

۱۳۷۵

۶. درویشی هویدا، یوسف، شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف، نشر میزان
۷. رامین، محمدعلی، حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه، انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع رسانی و خدمات

بورس

۸. سلطانی، محمد، خلیلی، مرضیه، سهرابی، لیلا، فتاح تفتی، زینب، بایسته های حقوق سرمایه، (اصول) تهران، نشر شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس

۹. سواد کوهی فر، سام، هیأت داوری بازار اوراق بهادار، تهران، شرکت اطلاع رسانی بورس تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸

۱۰. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، انتشارات دراک، چاپ هفتم، ۱۳۸۴

۱۱. عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، تهران، انتشارات دراک، چاپ ششم، ۱۳۸۲

۱۲. صفایی، حسین، حقوق بین الملل و داوری های بین المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵

۱۳. عباسی، ابراهیم، آدوسی، علی، بازارها و نهادهای مالی، نشر دانشگاه الزهراء، چاپ اول، ۱۳۸۸

۱۴. ابراهیم، حقوق کیفری بازار اوراق بهادار، نشر میزان

۱۵. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد چهارم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳

۱۶. ناصر، قواعد عمومی و قراردادها، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹

۱۷. گلریز، حسن، کتاب بورس اوراق بهادار، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۷۴

۱۸. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، مالکیت، مسئولیت، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ بیست و سوم،

۱۳۸۸

۱۹. میرزایی منفرد، غلامعلی، حقوق کیفری بازار اوراق بهادار، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱

۲۰. غلامعلی، ساز و کارهای حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه ایران، انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع رسانی

و خدمات بورس، چاپ دوم، ۱۳۹۱

۲۱. غلامعلی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰

۲۲. غلامعلی، نگاهی به فعالیت هیات داوری، ص ۲۱

۲۳. غلامعلی، حقوق بازار اوراق بهادار بخش اختلافات، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰

۲۴. حجت، مبین، هیأت داوری بورس اوراق بهادار، فصلنامه گواه، شماره ۸ و ۹ و ۱۳۸۹

۲۵. رضائی، علی، وکالت در هیأت داورى، مجله ی بورس، شماره ۸۴، ۱۳۸۸
۲۶. محبی، محسن، نظام داورى اتاق بازرگانى بین المللى، مجله حقوقى، شماره ۲۴، چاپ ۱۳۷۸
۲۷. میرزایی منفرد، غلامعلی، تحولات قانونى بازار سرمایه، فصلنامه گواه، شماره ۸ و ۹، ۱۳۸۶